

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش  
شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۴، ویژه علوم اجتماعی

## احیای تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۵/۱/۳۰

مهدی دنگچی \*

### چکیده

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، همه اهداف انقلاب اسلامی اعم از آزادی، استقلال، برپایی حکومت اسلامی و مبارزه با ظالمان و مستکبران، در نسبت با یک هدف واحد به نام تمدن اسلامی تعریف می‌شود. این مساله اهمیت پرداختن به مقوله احیای تمدن اسلامی را به خوبی روشن می‌کند. در همین راستا به بررسی اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری پرداختیم تا ابعاد موضوع را در رویکرد تمدنی ایشان بررسی نماییم. جایگاه سیاسی اجتماعی امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب در هدایت جامعه امروز مسلمین، دلیل گزینش ایشان از میان دیگر اندیشمندان مسلمانی است که در زمینه تمدن اسلامی صاحب نظراند.

برای این منظور مجموع دیدگاه‌های ایشان را در ۴ حوزه ارائه کرده‌ایم که عبارتند از: راهکارهای احیای تمدن اسلامی، ضرورت‌ها، چشم انداز و در نهایت دشمنانی که برای جریان احیای تمدن اسلامی ایجاد چالش و خطر می‌کنند. به عقیده نگارنده تبیین امام و رهبری از مقوله احیای تمدن اسلامی و راهکارهایی که در این زمینه ارائه می‌کنند، نتیجه رویکرد نظری - فرهنگی ایشان به مفهوم تمدن است.

واژه‌های کلیدی: تمدن اسلامی، تمدن، احیای تمدن، امام خمینی، مقام معظم رهبری.

\* کارشناس ارشد دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، m.dangchi2@gmail.com

## مقدمه

پس از گذشت قرون متمادی از تشکیل اصیل‌ترین نسخه حکومت اسلامی توسط حضرت علی علیه السلام، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر بالاخره آرمان تشکیل حکومت اسلامی را عینیت بخشید. این رویداد سیاسی اجتماعی نه تنها جامعه ایرانی را در مسیری جدید قرار داد، بلکه چشم اندازی نو در برابر دیدگان دیگر ملت‌های مسلمان گشود؛ به نحوی که امروز تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی در دیگر کشورهای اسلامی قوت یافته است؛ حکومتی برآمده از رای ملت‌های مسلمان که بر اساس قوانین اسلام اداره گردد.

تاکیدات مقام معظم رهبری بر تشکیل تمدن اسلامی به ویژه در دهه اخیر، ضرورت بحث از احیای تمدن اسلامی را به خوبی روشن می‌سازد. این ضرورت را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد: اولاً از حیث مسائل داخلی دنیای اسلام؛ امت اسلامی برای بهره‌مندی از الگوی تمدنی پیشرفت، نیازمند شفاف‌سازی ابعاد تمدن جدید اسلامی است. و ثانیاً از جهت مسائل خارجی دنیای اسلام؛ مسلمانان برای مواجهه‌ای پیروزمندانه با تمدن مادی غرب به عنوان اصلی‌ترین رقیب تمدنی خود، نیازمند آن هستند تا درباره مقصود نهایی خود هرچه بیشتر آگاهی داشته باشند.

بنابراین در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که ابعاد احیای تمدن اسلامی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ایران چگونه است. برای این منظور با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ضمن بهره‌مندی از تاکتیک مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای از طریق گردآوری فیش‌های تحقیق به سوالات پاسخ گفته‌ایم.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱ تمدن و اجزای آن

سابقه اولین تمدن‌های بشری به دوران باستان باز می‌گردد در حالیکه کاربرد دقیق واژه تمدن - که عمدتاً همراه با واژه فرهنگ می‌آید - اولین بار از سوی تایلور (۱۸۳۲-۱۹۱۷ م) انسان شناس انگلیسی آغاز می‌شود. (کرمی قه‌بی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۴)

تمدن نظام کلان اجتماعی است که در آن خرده نظام‌های گوناگونی از جمله نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام تعلیم و تربیت، نظام حقوقی و غیره وجود دارد. به طور کلی تمامیت یک تمدن را همین نظام‌ها تشکیل می‌دهند. رابطه این خرده نظام‌ها متقابل و دو سویه است. اما این دو سویه بودن به معنای هم سطح بودن این خرده نظام‌ها با یکدیگر به لحاظ میزان اهمیت شان نیست. بلکه برخی از خرده نظام‌ها در متن و برخی دیگر در حاشیه نظام کلان اجتماعی قرار می‌گیرند.

به طور کلی اینکه کدامیک از خرده نظام‌ها در متن نظام کلان تمدنی قرار گرفته یا در حاشیه آن باشند، تابعی است از یک خاستگاه عقلانی که هر تمدنی بر مبنای آن شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر تمدن‌ها علاوه بر یک نظام اجتماعی کلان، نیازمند بهره مندی از یک جهان بینی مشخص هستند که جهت گیری کلی آن تمدن را مشخص سازد. چنین بنیان عقلانی‌ای شامل یک سری اصول است. این اصول عقلی ناظر به هدف از زندگی و معنایی است که در ذهن جمعی در مورد زندگی وجود دارد. مسائلی مانند قدرت و مشروعیت در سیاست، مقولاتی مانند دین، انسان و جامعه در عرصه فرهنگ و کار و ثروت در عرصه اقتصاد از همین بنیان عقلانی نشات می‌گیرد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تمدن‌ها دارای دو مؤلفه اساسی هستند: اول جهان بینی و دوم نظام کلان تاریخی. در مقایسه اهمیت این دو رکن، به نظر می‌رسد اهمیت رکن اول به

لحاظ میزان تاثیر در شکل و محتوای تمدن، بیشتر باشد. نظام تاریخی کالبدی است که حیاتش را از جهان بینی می‌گیرد؛ یا به تعبیر دیگر سخت افزاری است که با نرم افزار جهان بینی فعال می‌شود. شاید بتوان چنین تعبیر نمود که جهان بینی و نظام تاریخی دو روی سکه تمدن هستند. در یک روی سکه، وجه انتزاعی و عقلانی غالب است که همان جهان بینی است و روی دیگر وجه عینی و انضمامی تمدن است که در قالب نظام کلان اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد. سایر عناصر یک تمدن زیر مجموعه یکی از این دو عنصر هستند.

## ۱-۲ احیای تمدن

در لغتنامه‌های مشهور زبان فارسی، واژه احیا را اینگونه معنا نموده اند: زنده کردن، زنده گرداندن، زراعت کردن زمین‌های موات و امثالهم. (معین، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۲) دانشمندان در زمینه احیای تمدن‌ها تقریباً اتفاق نظر دارند؛ به این معنا که تاکنون نویسنده‌ای پیدا نشده است که به صراحت علیه امکان احیای تمدن استدلال کرده باشد. (مظفری، ۱۳۸۷، ص ۲۵) حتی حامیان سرسخت نظریه ادواری مانند توین بی نیز امکان احیای مجدد را نفی نمی‌کنند.

هر تمدن مشتمل بر یک نظام تاریخی معین و یک خاستگاه عقلانی است که از آن به نظام فرهنگی تعبیر نمودیم. پر واضح است که نظام تاریخی تمدن نوین اسلامی با نظام تاریخی تمدن گذشته اسلامی کاملاً متفاوت است. چراکه در پی تغییرات سیاسی اجتماعی جوامع اسلامی، نظام سیاسی، اقتصادی، حقوقی نوینی نیاز است. همچنین نظام فرهنگی مسلمین نیز اگرچه به واسطه اتکای به دین اسلام دارای اصول ثابتی است اما به دلیل بروز انواع مسائل مستحدثه فرهنگی معرفتی، ماهیتی متفاوت با گذشته دارد. بنابراین اساساً نمی‌توان با تکرار تجربه گذشته مسلمین، تمدن نوین اسلامی را برپا نمود. زیرا آنچه که ساخته می‌شود تفاوتی ماهوی با تجربه گذشته دارد. حال این سوال پیش می‌آید که اگر چنین است، پس چرا سخن از «احیا» به میان می‌آید؟ منظور از احیا، برقراری دوباره پیوندی است که

می‌بایست میان نظام تاریخی و نظام فرهنگی جامعه اسلامی برقرار باشد. پیوندی که در تمام سال‌های پس از انحطاط تمدن مسلمین از هم گسسته بوده است. بر این اساس نه تنها تمایزی میان دو مفهوم احیا و خلق نیست، بلکه این دو مترادف یکدیگر هستند.

بنا بر آنچه گفته شد احیای تمدن در برقراری پیوند دوباره، میان ارکان آن تمدن تعریف می‌شود. لذا سخن گفتن از احیای تمدن، نه تنها به معنای بازگشت به گذشته نیست، بلکه به معنای خلقی جدید است که دغدغه پاسداشت میراث گذشتگان را دارد.

### ۱-۳ تمدن اسلامی

عمده پژوهشگرانی که در زمینه تمدن اسلامی فعالیت کرده اند، این مقوله را به دو شکل تعریف می‌نمایند: اول، تعریفی که ناظر بر مراحل تحول تمدن اسلامی در طول تاریخ، از صدر اسلام تا عصر حاضر است. چنین تعریفی با رویکردی عینی و مصداقی، تمدن اسلامی را به عنوان یک تجربه تاریخی تشریح می‌نماید. و دوم تعریفی که تمدن اسلامی را یک اصطلاح علمی دانسته و با رویکردی انتزاعی و معیاری به بررسی ابعاد نظری این مفهوم می‌پردازد. ما نیز در این تحقیق به دنبال بیان چنین تعریفی هستیم و بررسی تمدن اسلامی به عنوان تجربه‌ای تاریخی را به دیگر تحقیقات تمدن پژوهانه واگذار می‌نماییم.

اصطلاح تمدن اسلامی نشان می‌دهد آنچه مورد مطالعه ماست اولاً تمدن است و ثانیاً اسلامی است. موضوع مورد مطالعه تمدن است؛ یعنی یک نظام کلان اجتماعی است که مبتنی بر دو رکن اساسی است: جهان بینی معین و نظام تاریخی مشخص. تمدن اسلامی مانند دیگر تمدن‌ها مبتنی بر یک جهان بینی معین است که شاکله همه خرده نظام هایش را، همان می‌سازد. عقلانیتی کلان و مبنایی که ساختار و محتوای همه خرده نظام‌ها متأثر از اوست. و یک نظام تاریخی که تحت تاثیر شرایط سیاسی-اجتماعی هر عصر، متفاوت از دوره زمانی دیگر خواهد بود. همچنین موضوع مورد مطالعه ما اسلامی است. اسلام که به عنوان دین

خاتم، متکفل همه ابعاد زندگی بشر اعم از فردی و اجتماعی است. دینی که آموزه هایش حاصل دستورات کتاب و سنت است. کتابی مبتنی بر وحی و سنتی به جای مانده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

## ۲- امام خمینی و احیای تمدن اسلامی

امام خمینی برای بررسی مقوله تمدن اسلامی، عمدتاً تاریخ گذشته تمدن اسلامی را مورد استناد قرار می‌دهند. یعنی با الگو قرار دادن تجربه پنجاه ساله مسلمانان صدر اسلام در تشکیل تمدن، عامل عقب ماندگی امروز مسلمین را نتیجه دوری از فرهنگ آنان دانسته و احاد امت اسلام را به احیای فرهنگ ناب اسلامی دعوت می‌نمایند.

رویکرد تمدنی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر فرهنگ است. ایشان در بررسی تمدن گذشته اسلامی، بیش از آنکه وجوه عینی و نظام اجتماعی آن را مورد نظر قرار دهند، به خاستگاه عقلانی و فرهنگ تمدن مسلمین توجه می‌کنند. تا جایی که می‌توان گفت از نگاه امام خمینی، تمدن یعنی فرهنگ.

حال که مختصری از معنای تمدن اسلامی در نظر امام خمینی بحث نمودیم به بررسی دیدگاه ایشان در زمینه احیای تمدن اسلامی می‌پردازیم:

### ۲-۱ راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی

در این قسمت به بیان راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس اندیشه‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌پردازیم. با مطالعه این قسمت شاید این سوال پیش بیاید که چنین توصیه‌هایی عام هستند و نمی‌توان آنها را ناظر بر مباحث تمدنی دانست. لازم به تذکر است که به عقیده نگارنده تحقق تمدن نوین اسلامی فرایندی چند مرحله‌ای با مقدمات بسیار است که از قیام علیه حکومت‌های ظالم آغاز می‌گردد و با تشکیل دولت و جامعه اسلامی ادامه

می‌یابد و در نهایت به سطح تمدن می‌رسد. یعنی یک تعریف عام از تمدن اسلامی و تحقق آن در نظر است؛ لذا آن بخش از دستورات حضرت امام یا رهبر انقلاب که ناظر بر هریک از این مراحل باشد، از نظر ما می‌تواند ارتباطی وثیق با موضوع داشته و در اینجا مطرح گردد.

## ۲-۱-۱ حفظ وحدت امت اسلامی

در دیدگاه مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به ویژه رهبر کبیر انقلاب، حفظ وحدت و همدلی در میان امت اسلامی مهم ترین و کارآمدترین راهکار تحقق اهداف بلند اسلامی از جمله احیای تمدن اسلامی است. رهبران انقلاب اسلامی نه تنها دعوت کننده امت اسلامی به اتحاد هستند بلکه خود، امت اسلامی را پیکره واحدی می‌دانند که حول محور اسلام و قرآن کریم به یکدیگر پیوند خورده است. امام خمینی تأکید می‌کند همه مسلمین در نظر ما چنانچه به احکام اسلام عمل کنند، عزیزند. ما ملت اسلام را هر جا می‌خواهد باشد، عزیز می‌داریم. اما در عین حال تصریح دارند که دست به دست هم بدهید، باهم متحد شوید. چراکه همگی مسلمانید. پس اتکای به قرآن داشته باشید. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۸) زیرا اگر مسلمین بد واحد باشند کسی نمی‌تواند مقابل جمعیت شان قیام کند. در این صورت است که دشمنان هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۶۷)

## ۲-۱-۲ اصلاح فرهنگ جوامع اسلامی

از نگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی اصلاح فرهنگ جوامع اسلامی راهکاری اساسی در اصلاح اوضاع امت اسلامی است. چراکه به عقیده حضرت امام اگر فرهنگ اصلاح بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود. برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه‌ها می‌رود، از فرهنگ است که در مجلس می‌رود. خلاصه اینکه همه نهادهای اجتماعی متأثر از فرهنگ هستند؛ گفتنی است مهم ترین ویژگی چنین فرهنگی استقلال آن نسبت به فرهنگ های بیگانه است. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۶۷) اما اصلاح فرهنگ نیز مستلزم انجام برخی امور است.

تربیت اسلامی جامعه یکی از مهم ترین این راهکارهاست. چراکه اگر مملکت مسلمان بشود می تواند در برابر فساد ایستادگی و مبارزه کند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۵) فرهنگ مقاوم در برابر بیگانگان به واسطه محتوای خود از خاصیت استقلال بهره مند است. در ادامه به برخی محتویات فرهنگ مطلوبی که ما را به سر منزل مقصد می رساند می پردازیم.

### ۳-۱-۲ بهره مندی از روحیه شهادت طلبی

شهادت طلبی یکی از این محتویات است که ابزار کارآمدی برای تحقق مقاصد اسلامی به حساب می آید. زیرا کس که به ماورای این عالم اعتقاد دارد نه تنها از مرگ در راه خدا نمی هراسد بلکه شهادت را نعمتی می پندارد که نیازمند شکرگزاری فراوان است. ایشان معتقد است اگر ما از تلاش برای مقصدی اسلامی که برای آن انبیا خودشان را به آب و آتش زدند و اولیای عظام خود را به کشتن دادند، بترسیم، اساساً دین نداریم. ترس برای کسانی ست که جایی غیر از این عالم ندارند. برای ما مسلمانها مرگ در راه احیای اسلام اول زندگی راحت ماست که ما را از رنج و محن خلاص می کند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۸۲) در همین زمینه ایشان می فرمایند: «ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام؛ آمال و آرزویمان را باید فدا کنیم برای اسلام» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۸۲)

### ۴-۱-۲ ایمان به خدا

ایمان به خدا از دیگر ابزار عناصر فرهنگی لازم برای احیای تمدن اسلامی است. امام خمینی نهضت اسلامی مردم ایران را نمونه حرکتی اسلامی و الهی می داند که علی رغم کمبود امکانات مادی، به واسطه بهره مندی از ایمان به خدا موفق شد بر دشمنان پیروز گردد. اسلام و ایمان به خدا به ملت ایران چنان نیرویی داد که توانستند با دست خالی توپها و تانکهای دشمن را شکست دهند و کاخهای آنان را فرو بریزند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۳۴۰) در این زمینه امام خمینی برگزاری جلسات و مجامع تبلیغ دین را به خصوص برای



جوانان جامعه مفید و ضروری می‌شمارد. جلساتی که در آنها دعوت به دین شود و مصالح و مفسد روز به مردم گفته شود. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۴)

## ۲-۱-۵ تشکیل ارتش دفاعی مشترک اسلامی

و در نهایت تشکیل ارتش دفاعی مشترک اسلام یکی از راهکارهای عملیاتی رهبر کبیر انقلاب ایران برای تحقق تمدن نوین اسلامی است. ایشان معتقد است کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می‌توانند یک ارتش دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش دهها میلیونی زیر پرچم اسلام داشته باشند تا بزرگترین قدرت را در جهان بدست آورند. امام ره امیدوار است دولتهای اسلامی با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این مورد فکر کنند تا از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۸۶)

## ۲-۲ ضرورت‌های تحقق تمدن نوین اسلامی

اوضاع فرهنگی کشورهای اسلامی یکی از نشانه‌هایی است که تلاش برای احیای تمدن نوین اسلامی را ضروری می‌نماید. شاید بتوان اوضاع فرهنگی امروز بیشتر کشورهای اسلامی را مشابه وضعیت ایران قبل از انقلاب دانست. از نگاه امام خمینی فرهنگ ایران قبل از انقلاب کاملاً استعمار زده و در خدمت منافع استعماری قدرتهای بزرگ بوده است. رادیو و تلویزیون، مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی با حمایت استکبار جهانی مروج ابتذال و بی بندوباری هستند تا بتوانند از این طریق فکر جوانها را مسموم کرده و نیروی آنها برای مبارزه را خنثی کنند. رهبر کبیر انقلاب از این وضع تعبیر به «فرهنگ وابسته» می‌کنند. در این شرایط استعمارگران تلاش می‌کنند تا چیزی شبیه تمدن به کشورهای اسلامی وارد کنند تا مردم اعتراض نکنند. الفاظ را می‌آورند ولی بدون محتوا. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۸۶).

حاکمیت جور در جوامع اسلامی و مبارزه با آنها از دیگر مواردی است که بیان کننده ضرورت تلاش در راه تمدن نوین اسلامی است. بنیانگذار انقلاب اسلامی تصریح می‌کند که اگر امت اسلام بتواند، باید این حکومت‌های جور را کنار بزند و اگر نتواند رضایت بر حکومت این ستمگران رضایت بر ظلم و غارت اموال مردم است؛ درحالی‌که هیچ مسلمی حق ندارد رضایت بدهد به حکومت ظالمی ولو یک ساعت. لذا همه ما مکلفیم که به مقدار توانمان با این حکومت‌هایی که برخلاف موازین الهی و قانونی عمل می‌کنند، مبارزه کنیم. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۲۸)

ایشان در بیان خصوصیات حاکمان جور معتقدند دولتهای اسلامی، چه سلاطین اسلام، چه روسای جمهور و نخست وزیران دول اسلامی، تحت تاثیر استعمار غافل از مقاصد دیانت اسلام هستند و نسبت به مسائل اسلام مطلع نیستند. آنها به دلیل خودباختگی در برابر استعمار نمی‌توانند از فواید اسلام برای بشریت آگاه شوند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۴۱)

### ۲-۳ چشم انداز تحقق تمدن نوی اسلامی

استقلال مسلمین در برابر مستکبران امروز و استعمارگران دیروز از جمله اهداف اساسی نهضت های بیداری اسلامی و احیای تمدن اسلامی است. امام خمینی در این زمینه صراحتاً می‌فرماید: «ما استقلال می‌خواهیم، می‌خواهیم خودمان مملکت خودمان را اداره کنیم، نمی‌خواهیم تحت نظر دیگران باشد؛ مملکت مال ماست، ما نمی‌خواهیم دیگران در مملکت ما دخالت کنند». (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۶۷)

از دیگر اهداف نهضت های اسلامی برقراری حکومت اسلامی بر سر جوامع مسلمان است. چنین حکومت هایی از نظر امام خمینی ره دارای خصوصیتی است که از آن جمله می‌توان به عدالت و مردمی بودن آنها اشاره کرد. به عنوان مثال ایشان در توصیف انقلاب

ملت ایران تاکید دارد که مردم یک حکومت عدل اسلامی می‌خواهند که به درد مردم برسد.  
(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۶)

امام خمینی در تشریح دیگر اهداف نهضت اسلامی، بهره‌مندی مردم از رفاه مادی و معنوی به صورت توأمان را مطرح می‌کنند. ایشان تصریح دارند که علاوه بر اینکه به دنبال رفاه زندگی مادی هستیم، می‌خواهیم زندگی معنوی مسلمین را مرفه‌سازیم. در جریان نهضت‌های اسلامی نباید فقط به دنبال ساخت مسکن باشیم یا به رایگان شدن آب و برق و وسایل نقلیه عمومی دلخوش کنیم بلکه قرار است معنویات و روحیات ما عظمت پیدا کند و به مقام انسانیت برسیم. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۲۶۹)

#### ۲-۴ دشمنان تحقق تمدن نوین اسلامی

حرکت در راه احیای فرهنگ و تمدن اسلامی به واسطه ماهیت ضد استعماری و استکبارستیزش همواره با خدعه‌های دشمنان و خیانت‌های دولتهای اسلامی خودباخته مواجه بوده و هست. لذا به مقوله دشمن شناسی از نگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

امام خمینی معتقدند دشمنان از سالهای خیلی دور دشمنی‌های خود علیه امت اسلامی را آغاز کرده‌اند و در این مسیر هدفی جز مقابله با دین اسلام نداشته‌اند. ایشان به تلاش‌های استعمارگران اشاره می‌کنند که در ابتدا می‌خواستند شخصیت پیامبر اکرم را در ذهن مسلمین کوچک سازند و خدای نخواستگاری ایشان را تحقیر کنند. در ادامه دشمنان به سراغ احکام اسلامی رفتند و سعی نمودند آن را احکامی تاریخی گذشته و متعلق به هزار سال پیش معرفی نمایند که امروز توان پاسخگویی به مسائل ممالک مترقی را ندارد. در یک کلام اسلام را دین کهنه پرستی و ارتجاع معرفی می‌کنند! (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۳)

ایشان همواره هشدار می‌دادند که جوانان کشورهای اسلامی، اولین هدف تبلیغات مسموم آمریکا و اسرائیل هستند. غرب با تبلیغات خود علیه اسلام سعی بر اغفال جوانان دارد تا به آنها

اینطور تزریق کند که شما هر بدبختی دارید از اسلام دارید. به نظر امام غفلت و خودباختگی دولتهای جوامع اسلامی در برابر دشمنان موجب شده تا دست استکبار برای این تبلیغات مسموم باز باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۳)

یکی از مهم ترین دشمنان نهضت احیای تمدن اسلامی غفلت خود مسلمانان است؛ غفلت از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام. امام خمینی این مسئله را عامل همه مصایبی می داند که از قرن ها پیش تاکنون بر سر مسلمانان آمده است. خصوصا در یکی دو قرن اخیر که دست کشورهای اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و ذخایر خداد آنها را بر باد فنا داده است. به نظر ایشان غفلت از ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام حاصل کوشش استعمارگران و عمال غرب زده و شرق زده آنان است که اسلام فردی را به ذهن توده های مسلمان محروم تحمیل کردند. آنها تا آنجایی پیش رفتند که حتی غالب علمای اسلام گمان کرده و می کنند اسلام از سیاست منزله است و شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۸۶)

تاکید بر نقاط تفاوت آحاد مسلمین از جمله مذهب، نژاد و زبان و غیره از دیگر اموری است که از سوی قدرتهای جهانی علیه مسلمین دنبال می شود. بنظر امام خمینی آن چیزی که دول اسلامی را بیچاره کرده و ظل قرآن کریم دور می کند، قضیه نژادبازی است. ایشان می فرماید این نژادپرستی یک مسئله بچه گانه است و انگار دارند سران دولتهای اسلامی را مثل بچه ها بازی می دهند. ترک و فارس ندارد، عرب و عجم ندارد، اسلام نقطه اتکاست. قضیه نژادبازی یک ارتجاع است. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۳)

### ۳- مقام معظم رهبری و احیای تمدن اسلامی

در این قسمت به بررسی دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر فعلی نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم. از آنجا که بیش از دو دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی تحت زعامت مقام معظم رهبری سپری شده است، لذا گفتمان انقلاب اسلامی کاملاً متأثر از اندیشه‌های معظم له می‌باشد. یکی از مفاهیم مورد توجه ایشان مقوله «تمدن نوین اسلامی» است که اگرچه از همان ابتدا، مورد توجه ایشان بوده اما با آغاز دهه نود، تأکیدات ایشان در این زمینه رشد قابل توجهی داشته است. این مساله از یک سو نشان دهنده دغدغه‌های آن حضرت نسبت به آینده نظام اسلامی است که در قالب اندیشه‌های تمدنی معظم له بروز یافته و از طرف دیگر ضرورت تلاش محققان و پژوهشگران را در حوزه تمدن اسلامی روشن می‌سازد. لذاست که معتقدیم بررسی موضوع تمدن اسلامی بدون مراجعه به اندیشه تمدنی امام خامنه‌ای ناقص و ابتر خواهد بود.

مقام معظم رهبری همواره تأکید داشته‌اند که هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی بوده است؛ تمدن اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۳) که در یک تقسیم بندی کلان چنین تمدنی را به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری دسته بندی می‌کنند.

امام خامنه‌ای معتقدند مولفه حقیقی همه تمدن‌ها بخش نرم افزاری آنهاست. این مولفه شامل خرده عناصری است که متن زندگی جامعه متمدن را تشکیل می‌دهد که ایشان نام «سبک زندگی» بر آن می‌گذارند. با مطالعه مفهوم سبک زندگی در می‌یابیم که این اصطلاح نام دیگر برای واژه فرهنگ است. زیرا از نظر مقام معظم رهبری این بخش دربرگیرنده تمام الگوی رفتاری و ارتباطی ما در حوزه‌های مختلف اجتماع اعم از نهاد خانواده، سیاست، دوستان، جامعه، اقتصاد و ... می‌باشد. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۳)

بنابراین از نگاه مقام معظم رهبری عنصر اساسی هر تمدنی از جمله تمدن اسلامی فرهنگ است. زیرا این فرهنگ است که همه روابط نظام تمدنی را شکل می‌دهد، ارزش‌ها را تعیین می‌کند و جایگاه تمدنی یک خرده نظام را در مقایسه با دیگر خرده نظام‌ها مشخص می‌سازد.

از نظر ایشان جای تردید نیست که اسلام با نفوذ و قدرت طبیعی خود بر اورنگ حکمرانی جهان خواهد نشست و شعاع جانبخش خود را تا اعماق تاریکی‌هایی که بشریت گرفتار آن است خواهد فرستاد و قذت‌های مهاجم را خواه ناخواه مجبور به عقب نشینی خواهد کرد و آخرکار سربلند و پیروز جلوه‌گری خواهد نمود. (سید قطب، ۱۳۸۶، ت: سید علی خامنه‌ای، ص ۲) با این مقدمه به سراغ دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره تمدن نوین اسلامی می‌رویم:

### ۳-۱ راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی

در این قسمت به بحث و بررسی درباره راهکارهای ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

### ۳-۱-۱ اعتقاد حقیقی به توانایی‌های بومی

یکی از بنیادی‌ترین راهکارهای حضرت آیت الله خامنه‌ای برای تشکیل تمدن نوین اسلامی اعتقاد کامل و حقیقی به توانایی‌های بومی و درونی ملت‌های مسلمان است. نکته‌ای که معظم له در طول سال‌های رهبری خود بارها بر آن تاکید کرده‌اند. ایشان همواره تاکید داشته‌اند این «می‌توانیم» را که در روح جوانان جولان دارد نباید بگذاریم از بین برود. بلکه مسئولین نیز باید چه در سخنانشان و چه در رفتارهایشان به شعار «می‌توانیم» تکیه کنند. زیرا ما می‌توانیم تمدن اسلامی را برپا کنیم. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۹/۱۹)

### ۳-۱-۲ ارائه تصویر واقعی از دین به جامعه

با نگاه به تلاش های دشمنان برای ارائه تصویری شخصی از دین اجتماعی اسلام، یکی از مهم ترین راهکارها و وظایف مدافعان تمدن آینده اسلامی، ارائه تصویر واقعی دین به جامعه است. امام خامنه ای در این زمینه تاکید دارند باید با مجاهدتی خستگی ناپذیر و با تحمل هر نوع محرومیت و ناکامی به مردم بفهمانیم که این شی مهمل و بی خاصیت دین نیست. این ظواهر بی مغز و دور از معنی آن نیست که پیغمبر به عنوان آخرین و کامل ترین برنامه آسمانی به جهانیان عرضه داشت. انجام قسمتی از فرایض دینی، آنهم نه به طور کامل نباید غریزه دین طلبی ما را ارضا کند و ما را از تلاش در راه دین بازدارد. باید به مردم بقبولانیم که دین ما را برده اند. باید وظیفه دفاع از دین را به آنان یادآور شویم و اثبات کنیم که این وظیفه امروز متوجه همه مسلمانان است. این همان رسالت پیامبران بزرگ الهی است که تاریخ زندگی شان را خوانده ایم. (سید قطب، ۱۳۸۶، ت: سید علی خامنه ای، صص ۵-۶) همین جا لازم است به اهمیت مقوله فرهنگ در جوامع اسلامی اشاره کنیم. امام خامنه ای تصریح دارند اساس ایستادگی امت اسلامی در برابر مستکبران و انشا الله پیروزی نهایی آنها مبتنی بر حفظ فرهنگ اسلامی و انقلابی و تقویت جناح فرهنگی مومن است. بنابراین باید نهالهایی که در عرصه فرهنگ اسلامی رویده اند را تقویت کرد. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰)

### ۳-۱-۳ استقلال فکری و رجوع به منابع اسلامی

مقام معظم رهبری معتقدند برای حل مشکلات اجتماعی جوامع اسلامی<sup>۰</sup> از قبیل مشکلات زنان و ... - چند شرط را رعایت نمود. ایشان خطاب به نخبگان و اندیشمندان جامعه تصریح می کنند شرط اول این است که خودتان و ذهنتان را از تفکرات غربی که یک تفکرات کلیشه ای غلط متحجر نو نما که ظاهرش دلسوزانه و باطنش خائنه است نجات بدهید. بنابراین اولین شرط استقلال فکری نسبت به تفکرات غرب است. الزام دوم مراجعه به متون

اسلامی ست. باید از کتاب خدا، سنت پیغمبر، احادیث، دعاها و کلمات و رفتار ائمه علیهم السلام اصول و مبانی اساسی را استخراج کنیم. و در نهایت در احصای مسائل اجتماعی حقیقتاً به مسائل اصلی بپردازیم و نه مسائل درجه دو. (مقام معظم رهبری، ۹۳/۱/۳۰)

### ۳-۱-۴ حفظ وحدت امت اسلامی

حفظ وحدت امت اسلامی مولفه ایست که در اندیشه امام خامنه ای نیز همانند دیگر متفکران مسلمان نقشی راهبردی در پیشبرد اهداف نهضت های اسلامی دارد. ایشان تاکید دارند که حفظ اتحاد امت اسلامی جزو مهم ترین وظایف امروز همه مسلمانان است. در این زمینه به خطر بزرگ بدبینی شیعیان و اهل تسنن به یکدیگر اشاره می کنند و تاکید دارند همگان وظیفه جلوگیری از این پدیده را دارند. لذا برجسته کردن خصوصیات قومی و دمیدن در آتش قوم گرایی از نظر ایشان نوعی بازی کردن با آتش است. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰)

### ۳-۱-۵ مجاهدت دائمی

معظم له معتقدند اگر زبندگان و نخبگان ملتها<sup>۵</sup> چه نخبگان سیاسی و چه نخبگان علمی و دینی - وظایف خودشان را درست انجام دهند، آینده دنیای اسلام که امروز احساس بیداری می کند، آینده مطلوبی خواهد بود. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۱۵) به همین دلیل ایشان بر مقوله «جهاد» تاکید ویژه ای دارند و تاکید می کنند جهاد مداوم، نیاز همه است. همه ی پیشرفتها، همه ی تمدن سازی ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۳/۱۷)



### ۳-۱-۶ تلاش برای تحقق سلوک عملی اسلامی

مقام معظم رهبری همواره تصریح دارند که در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزشهای خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است.

### ۳-۱-۷ تقلیدگری

نکته‌ی دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی بمجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه‌ی غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل میکنند بر غرب‌ستیزی: آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آنچنانی نداریم - البته پدرکشتگی داریم! - غرض نداریم. این حرف، بررسی‌شده است. باید مراقب بود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی

نوبین بر دوش آنهاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۳)

### ۳-۱-۸ ایمان به خدا، نیاز درجه اول تمدن سازی اسلامی

یکی دیگر از راهکارهایی که در راه احیای تمدن اسلامی مورد عنایت رهبر معظم انقلاب است، تکیه به دو رکن خدا و مردم است. ایشان معتقدند ما هرچایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردمی تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۱۵) لذاست که تاکید می‌کنند نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوبین در درجه‌ی اول به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است.

### ۳-۱-۹ دشمن شناسی

یکی دیگر از راهکارهای حرکت به سوی تمدن نوبین اسلامی شناخت جبهه استکبار، خصوصیات، عملکرد و جهتگیری آن است که رفتار خردمندانه ما در برابر دشمنان را به دنبال دارد. در نگاه مقام معظم رهبری اگرچه خصوصیات و روشهای مستکبران تفاوت می‌کند اما استخوان بندی آن در همه دوره‌ها یکی است. این نگاه از آنجا نشئت می‌گیرد که رهبری معتقدند باید در همه برنامه ریزی‌ها و جهت گیری های فردی و جمعی با درایت و حکمت عمل کرد. و اگر دشمنان را شناسیم چگونه می‌توانیم با درایت عمل کنیم؟! (مقام معظم رهبری، ۹۲/۸/۲۹)

### ۳-۱-۱۰ سفارشی به جوانان

امت اسلامی برای آنکه بتواند نمونه کامل تمدن اسلامی را به وجود بیاورد نیازمند بهره مندی از خصوصیات مشخصی ست که درلسان مقام معظم رهبری از این قرارند: ایشان خطاب به ملت ایران بخصوص جوانان تاکید دارند برای انجام کارهای بزرگ، بایستی دین، تقوا،

پاکیزگی روحی و عفت را هرچه بیشتر میان جامعه و میان خودتان ترویج کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، تقوا، علم، نشاط کار، امانت، عفت، انجام خدمات اجتماعی و ورزش. اینها خصوصیتی است که بهره مندی از آنها جوان امروز را در تلاش برای ایجاد تمدن نوین اسلامی یاری می‌رساند. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۸/۲۹)

### ۳-۲ ضرورت‌های تحقق تمدن نوین اسلامی

یکی از ضرورت‌های احیای تمدن اسلامی زمان آگاهی مسلمین و اشراف به شرایط روز دنیا در هر مقطع زمانی است. امام خامنه‌ای در این زمینه به تحولات اساسی جهان در سالهای اخیر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «در منطقه شمال آفریقا و و برخی از مناطق آسیا قدرتهایی عرض اندام می‌کنند که در مقابل قدرتهای سنتی عالم سربرآورده اند. نگاه به این شرایط نشان می‌دهد که دنیا در حال تحول است.» (مقام معظم رهبری، ۹۲/۸/۲۹) معظم له تاکید دارند که بر مسلمان آگاه و انقلابی فرض است با تیزبینی این حوادث را در نظر داشته باشد.

به طور کلی در بیانی مختصر و مفید در باب ضرورت‌های احیای تمدن اسلامی از نگاه رهبر انقلاب می‌توان اینگونه بحث نمود: حضرت آیت الله خامنه‌ای معتقدند با توکل به خداوند و اعتماد و حسن ظن به وعده‌های مؤکد نصرت الهی در قرآن و به کارگیری خرد و عزم و شجاعت، میتوان بر همه‌ی موانع فائق آمد و پیروزمندانه از آنها عبور کرد. توصیه‌ی دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است. شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکومات اسلام تطبیق داده شوند. در نگاه مقام معظم رهبری استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیسم؛ از دیگر ملزومات احیای اسلام است که ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی نیز هست که همه برگرفته از اسلام و قرآن است. توصیه‌ی مهم دیگر ایشان پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ای و مرزی است. معظم له همچنین خطاب به ملت‌های

مسلمان نظام‌سازی را کار بزرگ و اصلی آنها می‌داند و آن را کاری پیچیده و دشوار برمی‌شمارد. لذا می‌فرماید: «نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. به نسل جوان خود اعتماد کنید، روح اعتماد به نفس را در آنان زنده کنید، و از تجربه‌های مجربان و پیران، آنها را بهره‌مند سازید.» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۶/۲۶)

### ۳-۳ چشم انداز تحقق تمدن نوین اسلامی

در اندیشه مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی ایران گامی در راستای تشکیل تمدن نوین اسلامی است و بیداری اسلامی نیز به تبع آن گامی مهم به سمت تمدن اسلامی ست. ایشان با اشاره به شرایط کشورهای که درگیر بیداری اسلامی هستند یادآوری می‌کنند شرائط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد. چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چند وجهی است که در آن، قطبهای سنتی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگها و تمدنهای متنوع و با خاستگاههای گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی میدهند. اتفاقات شگرفی که در سه دهه‌ی اخیر شاهد آن بوده‌ایم، آشکارا نشان میدهد که برآمدن قدرتهای جدید با بروز ضعف در قدرتهای قدیمی همراه بوده است. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۶/۹) اوضاع جهان در حال تبدیل به یک شکل جدید و هندسه‌ی جدید است. ما در طول تاریخمان، چنین وضعیتی را در کشورهای اسلامی نداشتیم. اینکه احساس هویت، احساس بیداری، نه در یک ملت، بلکه در کشورهای متعددی از کشورهای اسلامی پدید بیاید و این احساس بیداری، این احساس هویت، متکی به اسلام باشد، این را ما در گذشته هرگز نداشتیم؛ این مال امروز است؛ این یک نشانه است، نشانه‌ی تحول است. چون مسلمانها یک میلیارد و نیم از جمعیت دنیا را تشکیل میدهند، دهها کشور شامل اکثریتهای مسلمان هستند و کشورها هم جاهای حساسی قرار

دارند، بنابراین این بیداری یک امر عادی نیست؛ نشان‌دهنده‌ی یک تحول در ساخت و نقشه و هندسه‌ی جدید دنیاست. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۲۲)

در اندیشه تمدنی مقام معظم رهبری آنچه که تحت عنوان بیداری اسلامی در منطقه شمال آفریقا و منطقه عربی رخ داده است، مشعلی ست که اگرچه به حسب ظاهر خاموشی کنند اما به واقع خاموش شدنی نیست. زیرا وقتی احساس وظیفه اسلامی در یک ملتی به وجود آمد، به این آسانی‌ها نمی‌شود آن را از بین برد. بر فرض یک دولتی سرکوب بشود اما آن روحی که در مردم به وجود می‌آید، آن خودباوری و خودبازایی هویت اسلامی به این آسانی‌ها از بین نخواهد رفت. لذا امروز کشورهایی که بیداری اسلامی در آنها به وجود آمده است مثل دیگر جوشانی در غلیان هستند استقامت اسلامی روز به روز اوج می‌گیرد. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۰/۲۹) بیداری اسلامی که برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است، شعارش همان پیام انقلاب اسلامی یعنی مقابله با نظام سلطه است که دنیا را ظالم و مظلوم تقسیم می‌کند. درحالی‌که منطبق انقلاب ایران و انقلابات منطقه مبتنی بر اسلام است که تاکید دارد نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم شود. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۶/۲۶)

اعتقاد به تمدن نوین اسلامی مبتنی بر یک اصل کلی است. و آن اصل آنچنانی که در لسان رهبری آمده، این است که حرکت کلی تاریخ به سمت حق است. یعنی شما اگر به روال کلی تاریخ نگاه کنید، می‌بینید که دعوت انبیاء روز به روز در دنیا ماندگارتر و فراگیرتر و بیشتر به ذهن مردم و دل‌های مردم آشنا و نزدیک شده است؛ شیاطین کار میکنند، اما طبیعت عالم و حرکت عالم به سوی حق است و این وجود دارد؛ همیشه دل‌هائی هستند که حقیقت را می‌فهمند، معارف الهی و حقایق الهی و اخلاق الهی به شکل‌های مختلف در جوامع پراکنده می‌شود. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۳/۱۷)

## ۳-۴ دشمنان تحقق تمدن نوین اسلامی

یکی دیگر از ابعاد رویکرد تمدنی رهبر انقلاب، تبیین دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها در راهی است که توسط ملت ایران پیموده می‌شود و در نهایت به تشکیل تمدن نوین اسلامی می‌انجامد. در این راستا بخش قابل توجهی از دشمنی‌ها متوجه اصل اسلام است. در حقیقت دشمنان تلاش می‌کنند تا با تصویری غیر واقعی از اسلام، سرپوشی برای ظرفیت‌های سیاسی-اجتماعی دین خاتم بسازند و اتفاقاً به دلیل غفلت مسلمین در طول سده‌های گذشته در این امر موفق هم بوده‌اند به نحوی که امروز به تعبیر رهبر انقلاب اسلام دینی ناشناخته و غریب است. چراکه اکثریت قریب به اتفاق مردم مسلمان هنوز اسلام را عبارت از تشریفات و مراسمی بی ارتباط به زندگی می‌دانند از مبانی اساسی آن که قسمت اعظم این مکتب و حیانی را تشکیل می‌دهد، غافل‌اند. آنها هنوز نتوانسته‌اند بپذیرند که اسلام برنامه زندگی است و تنها عمل به قسمتی از مقررات شخصی کافی نیست که عمل کننده را در شمار مسلمانان درآورد. بنابراین نکته اولی که باید ضمن توجه به آن پیرامون آن روشنگری نمود، فعالیت ماهرانه دشمن برای بی خبر نگاه داشتن مسلمانان از اسلام اصیل است. (سید قطب، ۱۳۸۶، ت: سید علی خامنه‌ای، ص ۳)

اما دشمنان تنها به این مورد اکتفا نکرده‌اند؛ اختلاف افکنی و تحریک عیبتهای مذهبی از دیگر شیطنتهای آنان است که امام خامنه‌ای همگان را از آن پرهیز می‌دهند. ایشان معتقدند یکی از اصلی‌ترین راهکارهای دشمن برای مقابله به امت اسلامی تبدیل وحدت به اختلاف و جنگ داخلی است. تا بدین ترتیب بتوانند مسلمانان را از نقطه حقیقی دشمنی یعنی سرمایه داری فاسد و صهیونیسم منحرف کرده و توان مسلمانان را در اختلاف با خودشان از بین ببرد.

بررسی موارد دشمنی دشمنان ضرورت بحث از راه‌های مصونیت از مکر آنان را روشن می‌سازد. تاکید مقام معظم رهبری در این زمینه بر شناخت دشمن و نقشه‌های آن است. زیرا تنها در این صورت امکان تدبیر در مقابل دشمنان و مقابله با آنان فراهم می‌شود. تاکید رهبر

انقلاب در این زمینه به نحوی است که گویی از نظر معظم له شرط پیروزی بر دشمنان شناخت آنان و نقشه هایشان است. نه تنها شرط پیروزی بر دشمن است بلکه برای حرکت صحیح نیروهای خودی به سمت آرمان‌های امت اسلامی رعایت این شرط ضروری است. لذا بر همه ملتها و دولت‌های اسلامی فرض است که با کسب بصیرت لازم، در شناخت دشمن اشتباه نکنند. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۳/۱۷)

در نتیجه فعالیت دشمنان، اسلام دینی ناشناخته و غریب است. چراکه اکثریت قریب به اتفاق مردم مسلمان هنوز اسلام را عبارت از تشریفات و مراسمی بی ارتباط به زندگی می‌دانند از مبانی اساسی آن که قسمت اعظم این مکتب وحیانی را تشکیل می‌دهد، غافل اند. آنها هنوز نتوانسته‌اند بپذیرند که اسلام برنامه زندگی است و تنها عمل به قسمتی از مقررات شخصی کافی نیست که عمل کننده را در شمار مسلمانان درآورد. این بی‌خبری و انحراف امری طبیعی نیست و اگر هم از آغاز به طور طبیعی به وجود آمده باشد به طور قطع دستهای پلید دشمنان با نقشه‌های دقیق و ماهرانه آن را تقویت کرده و مسلمین را از واقعیات اصیل اسلام بی‌خبر نگاه داشته است. (سید قطب، ۱۳۸۶، ت: سید علی خامنه‌ای، ص ۳)

بررسی علل و عوامل دشمنی‌ها با اسلام از دیگر مطالبی است که در این قسمت به آن می‌پردازیم. امام خامنه‌ای ریشه دشمنی‌ها را در عمق تاریخ تمدن غرب جستجو می‌کنند. یعنی آن زمان که با وقوع انقلاب صنعتی غربی‌ها چشم طمع به نفت و سایر مواد خام کشورهای آسیایی و آفریقایی دوختند. از این تاریخ است که دست اندازیهایی غاصبانه غریبان به صورتهای گوناگون آغاز می‌شود.

آنچه که امروز در بیشتر کشورهای اسلامی به عنوان اسلام می‌شناسیم حاصل ده‌ها سال تلاش استعمارگران و غفلت مسلمانان است. (سید قطب، ۱۳۸۶، ت: سید علی خامنه‌ای، صص

رهنمودهای رهبر انقلاب در باب دشمنان اسلام و مسلمین، منحصر به رهکارهای کلان و عام نمی‌شود. بلکه ایشان با لحاظ کردن شرایط عینی امروز جهان اسلام که آبستن فراز و نشیب‌های بیداری اسلامی است، رهنمودهایی در زمینه دشمن شناسی و نحوه مواجهه با دشمنان بیان می‌فرمایند. ایشان با اشاره به شرایط کنونی کشورهای اسلامی، آسیب‌های احتمالی حرکت‌های اسلامی را به دو دسته تقسیم می‌نمایند: آسیب‌هایی که از درون مسلمانان ریشه می‌گیرد و ناشی از ضعف‌های جبهه خودی است و دیگر آسیب‌هایی که با برنامه ریزی مستقیم دشمن گریبانگیر جوامع اسلامی می‌شود.

نخستین خطر از خطرات دسته اول، کاهش انگیزه‌ها و سست شدن عزم‌هاست که در نتیجه راحتی خیال ناشی از احساس پیروزی است. امام خامنه‌ای معتقدند این خطر زمانی مهیب‌تر می‌شود که اشخاص در صدد تصاحب سهم ویژه در پیروزی بدست آمده باشند. تجربه‌ی تلخی که در صدر اسلام و در جریان جنگ احد طعم شکست را به جبهه اسلام چشاند. احساس ترس و خودباختگی در مقابل مستکبران و قدرتهای مداخله‌گر از دیگر آسیب‌های دسته اول است. بیرون کردن چنین ترسی از دل مردم که در نتیجه هیمنه ظاهری مستکبران به وجود می‌آید، بر عهده نخبگان شجاع و جوانان جامعه است. از دیگر آسیب‌هایی که در این بخش می‌تواند گریبانگیر جامعه اسلامی شود، اعتماد به دشمن و افتادن در دام لبخندها و وعده‌های آنان است. اینجاست که مقوله شناخت دشمن و نقشه‌های او موضوعیت می‌یابد. باید دشمن را و کیدهای او را در هر چهره‌ای و با هر لباسی شناخت و با آن مقابله نمود. روی دیگر این سکه، ابتلا به غروری است که در نتیجه آن دشمن غافل و ناتوان شمرده می‌شود؛ از این آسیب نیز باید احتراز نمود. و در نهایت پرهیز از آسیبی است که دشمن به وسیله آن پشت جبهه مسلمین اختلاف افکنی کرده و آنان را به جان همدیگر می‌اندازد. این مساله نیز خطری است که مقام معظم رهبری امت اسلامی را از آن بر حذر می‌دارد.



آسیب‌های دسته دوم که از سوی دشمنان خارجی برنامه ریزی می‌شود، همان مشکلاتی است که در جریان بیداری اسلامی، امروز کشورهای مسلمان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. در حقیقت این سنخ آسیب شناسی رهبر انقلاب مبتنی بر شرایط عینی جهان اسلام است. مهم‌ترین این آسیب‌ها مبتنی بر تلاش غرب برای تداوم سلطه خود بر مسلمانان در شرایط پس از بیداری اسلامی است. آمریکا و همپیمانانش می‌کوشند در شرایط جدید نیز اهرم‌های اصلی قدرت را در دست خود نگاه دارد تا به این ترتیب بتواند منافع خود را در کشورهای اسلامی حفظ کند و این یعنی بی نتیجه ماندن همه مجاهدت‌ها و تلاش‌هایی که مسلمانان در راه بیداری اسلامی از خود نشان داده اند. دشمنان برای حفظ سلطه خود از روش‌های مختلفی بهره می‌برند: از پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی گرفته تا نفوذ در جبهه انقلابیون و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل انقلاب. در اندیشه امام خامنه‌ای آنچه که می‌تواند نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب کند، مردم و حضور فعال آنان در صحنه است. این مقاومت و هوشیاری مردم است که از تحقق اهداف دشمن جلوگیری می‌نماید. اما در صورتی که دشمن صحنه را خالی از حضور مسلمانان ببیند و یا تاکتیک‌های اولیه اش به نتیجه نرسد، در این صورت از روش‌های دیگری همچون ایجاد هرج و مرج و تروریسم و یا جنگ داخلی میان اقوام مختلف مسلمین استفاده می‌کند. امام خامنه‌ای تاکید می‌کنند که مقصود از همه این دشمنی‌ها ناامید کردن مبارزان از تلاش و مجاهدت است. چراکه دشمنان به خوبی می‌دانند در این صورت شکست انقلاب‌های اسلامی و آسان خواهد شد. (مقام معظم رهبری، ۹۰/۶/۲۶)

### نتیجه‌گیری

در نگاه رهبران انقلاب تحقق تمدن آینده اسلامی میسر نمی‌شود مگر اینکه ابتدا دین اسلام و فرهنگ ناب توحیدی آن در جامعه اسلامی پیاده شود. به عبارت دیگر احیای تمدن اسلامی متوقف بر احیای اسلام ناب در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن است.

این گزاره هنگامی تایید می‌شود که بدانیم رهبران انقلاب اسلامی ایران در کنار دیگر رهبران اسلامی از جمله سید قطب از رهبران جمعیت اخوان المسلمین مصر، مودودی، حسن ترابی رهبر بنیادگرایی اسلامی سودان و دیگران، از طرفداران جریان «احیای اسلامی» به حساب می‌آیند. این جریان به زمان و مکان خاصی اشاره می‌کند که در آن اسلام به عنوان یک جهان بینی مشخص، یک نظام تمدنی معین ایجاد کرد.

چنین دیدگاهی به مقوله احیای تمدن اسلامی ناشی از شخصیت علمی و دینی رهبران ایران است. همانطور که می‌دانید رویکرد اندیشمندان در موضوعات مختلف، برآیندی از زندگی علمی آنهاست؛ حوزه‌های مطالعاتی، دغدغه‌ها، اهداف و مقولات علمی که اندیشمند عمر خود را صرف مطالعه و تبیین آنها می‌نماید. بر این اساس حضرت امام و مقام معظم رهبری نیز آنگاه که به موضوع تمدن می‌پردازند، به عنوان مجتهدی جامع علوم و معارف دینی، نظر به ابعاد نظری و فرهنگی آن دارند. ملاحظه راهکارهای پیشنهادی ایشان نیز به خوبی این مطلب را تایید می‌کند.

روشن است که احیای تمدن اسلامی به عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی دنیای اسلام، نیازمند تحقیق و پژوهش‌های فراوانی است. امید که با تلاش اساتید و پژوهشگران تمدن پژوه، شاهد تحقق هرچه زودتر این هدف باشیم.

## فهرست منابع

۱. کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۸۸)، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران: آگه
۳. شریعتی، علی (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن، تهران: شرکت انتشارات قلم
۴. ویل دورانت (۱۳۸۵)، احمد آرام، تاریخ تمدن: مشرق زمین گاهواره تمدن، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۵. ایولاکوست (۱۳۶۳)، مظفر مهدوی، جهان بینی ابن خلدون، تهران
۶. روح الامینی محمود (۱۳۸۲)، زمینه فرهنگ شناسی در علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور
۷. لوکاس هنری (۱۳۸۲)، عبدالحسین آذرنگ، تاریخ تمدن، جلد اول، تهران: سخن
۸. گی روشه (۱۳۶۷)، هما زنجانی زاده، کنش اجتماعی، مشهد: دانشگاه فردوسی
۹. معین محمد (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران: امیر کبیر
۱۰. شریف، م.م (۱۳۶۲)، نصراله جوادی پور، تاریخ فلسفه در اسلام، چاپ اول: مرکز نشر دانشگاهی
۱۱. سید قطب (۱۳۸۶)، سید علی خامنه ای، آینده در قلمرو اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۲. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: [www.farsi.khamenei.ir/speech](http://www.farsi.khamenei.ir/speech)
۱۳. نرم افزار صحیفه حضرت امام خمینی، موسسه کامپیوتری علوم اسلامی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی